

## قطع و وصل در روابط ایران و ترکیه

نیز، زمین ه ساز تشدید تنش ها و اختلافات آن دو شده است. رژیم جمهوری اسلامی، در نتیجه تحولات اخیر، در محاصره و انزوای بیشتری قرار گرفته است. در صورتی که رژیم وابسته ترکیه، در همراهی با سیاست های آمریکا، کوشیده است که نفوذ خود را گسترده سازد.

تدارک تبلیغاتی، سیاسی و نظامی حمله به عراق از جانب دولت آمریکا، به منظور سرنگونی رژیم صدام و جایگزینی آن بوسیله حکومتی وابسته به آمریکا، مسئله حاد دیگری است که اختلاف سیاست ها و موضعگیری های دولت های ایران و ترکیه را به روشنی آشکار می کند. در حالی که حکومت جمهوری اسلامی، به دلایل آشکار، مخالف حمله نظامی به عراق است، رژیم ترکیه، به رغم مخالفت افکار عمومی و نیروهای مترقی این کشور با آغاز جنگ و کشتار دیگری در این منطقه، سرگرم چانه زنی و معامله با آمریکا برای دریافت کمک های اقتصادی (و یا به قول برخی تحلیلگران ترکیه، گرفتن "رشوه اقتصادی") و واگذاری امکانات نظامی و تاسیساتی خود به آمریکا است که در حمله نظامی احتمالی این کشور به خاک عراق از اهمیتی ویژه برخوردار است. اگر چه لشکرکشی آمریکا به عراق می تواند پیامدهای غیرقابل پیش بینی و یا حتی نامطلوب برای خود آمریکا و همدمستان آن، مانند تشکیل دولت مستقل کردها در شمال عراق، به دنبال داشته باشد و رژیم حاکم بر ترکیه نیز، طبعاً، از چنین پیامدی سخت هراسان است، لکن این رژیم که همچنان با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی روبرو است، عملاً حاضر به پذیرش همراهی و یا همدستی با دولت آمریکا در این ماجراجویی شده است. چنان که بخشی از مطبوعات، احزاب و مقامات این کشور، یکبار دیگر، ادعای ارضی قدیمی آن بر منطقه نفت خیز شمال عراق را طرح و تبلیغ می کنند و ارتش ترکیه هم به بهانه مقابله با "پ.ک.ک." مجدداً نیروهایی را به داخل خاک عراق گسیل کرده است.

تداوم و تشدید اختلافات ایران و ترکیه، نه فقط به زیان مردم این دو کشور همسایه بوده و آنها را از امکانات گسترش مراودات در جهت منافع مشترک محروم می سازد، بلکه این مسئله به تأمین صلح و آرامش در سطح منطقه نیز آسیب رسانده و زمینه را برای دخالت افزونتر قدرتهای بزرگ جهانی فراهم می کند.

بسیار و افت و خیزهای فراوان همراه بوده است. در حالی که سوابق و

پیوندهای مشترک تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی بین مردمان دو کشور و امکانات اقتصادی قابل ملاحظه هر کدام از آنها، می توانست زمینه بسیار مساعدی برای توسعه مناسبات و همکاری های آنها در جهت منافع متقابل باشد. سیاست هایی که از جانب دو رژیم در پیش گرفته و خصوصاً سر درگمی ها، تناقضات و ماجراجویی هایی که از مشخصه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده، تا به حال مانع از این امر شده است. صرفنظر از پاره ای توافقات و همکاری های امنیتی (که عمدتاً برای ایجاد فشار بر پناهجویان ایران و یا مرزنشینان و یا در ارتباط با مسئله "کردها" بوده است) تنش های دائمی و بحران های دوره ای در روابط دو دولت، در عین حال، پیشرفت "سازمان همکاری اقتصادی" (ا.ک.و) را هم، که این دو (به علاوه پاکستان) بنیانگذار آن بوده اند، عملاً متوقف کرده است.

سفر رئیس جمهوری ترکیه به تهران در اواخر خرداد ماه سال جاری، ظاهراً امیدواری هایی را درباره بهبود مناسبات فیما بین پدید آورد، هر چند که این سفر در پاسخ به مسافرت خاتمی به آنکارا و با تاخیر زیاد صورت می گرفت. در این سفر، که طبق معمول گروه وسیعی از مدیران شرکت ها و بازرگانان ترکیه هم رئیس جمهوری آن کشور را همراهی می کردند، توافقتنامه های متعددی هم بین دو کشور به امضا رسید. اما تداوم اختلافات و رقابت های میان دو دولت باعث شده که غالب این قبیل توافقتنامه ها تنها بر روی صفحه کاغذ باقی بمانند.

جدا از اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی دیرین این دو رژیم، و گذشته از تشدید رقابت های بین آن ها در دهه گذشته (در پی فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل دولت های مستقل در قفقاز و آسیای میانه) در مورد گسترش حضور و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در سطح منطقه، تحولات یک سال اخیر، در عرصه جهانی و بویژه در خاورمیانه

چند روز پیش وزیرانرژی ترکیه اعلام کرد که این کشور واردات گاز از ایران را متوقف کرده است. وی دلیل این اقدام را "کیفیت پائین" گاز صادراتی ایران عنوان کرد. وزیر نفت جمهوری اسلامی، ضمن رد این ادعا، دلیل توقف واردات گاز را "مشکلات اقتصادی" خود ترکیه اعلام داشت و افزود در صورت عدم از سرگیری واردات گاز از سوی ترکیه، ایران درخواست غرامت خواهد کرد.

قابل توجه است که از بهره برداری از خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه هنوز یک سال هم نمی گذرد. این خط لوله، که بعد از مذاکرات بسیار طولانی و سرمایه گذاری سنگین دو طرف احداث گردیده، با دو سال تاخیر، در شهریور سال گذشته مورد بهره برداری قرار گرفته بود.

دلیل یا دلایل واقعی توقف واردات گاز ایران هر چه باشد، قطعاً فشارهای دولت آمریکا به ترکیه در این زمینه بی تاثیر نبوده است. آمریکا، در چارچوب سیاست اعلام شده خود مبنی بر محاصره ایران و مهار جمهوری اسلامی، هیچگاه راضی به گسترش مناسبات اقتصادی، و بویژه مبادلات نفتی ایران در سطح منطقه نبوده و در این مورد نیز، مکرراً از ترکیه خواسته بود تا از اجرای طرح انتقال گاز ایران به کشور چشم پوشی نماید. در تعقیب همان سیاست بوده که آمریکا با انتقال نفت جمهوری آذربایجان از طریق ایران هم شدیداً مخالفت کرده و به جای آن، طرح خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جهان (ترکیه) را مطرح و حمایت کرده است. احداث این خط، که از نظر کارشناسان هیچگونه توجیه اقتصادی ندارد، چند روز پس از اعلام توقف واردات گاز ایران به ترکیه، در ۲۶ شهریورماه، شروع شده است.

صدور گاز ایران به ترکیه، البته، تنها یکی از موارد مبادلات و مناسبات بین این دو کشور همسایه است که اکنون متوقف شده است.

لکن همین نمونه بیانگر چگونگی روابط میان دو دولت است که طی دو دهه گذشته، با کش و قوس های